

وضعیت مطالعاتی تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

امیرمحمد حاجی یوسفی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۰۷

علی بغیری**

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۰۸

چکیده

این مقاله سعی دارد به مطالعه نقادانه وضعیت موجود مطالعاتی و تحقیقاتی در مورد تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد تا ضمن کشف انواع مطالعات موجود، چرایی عدم تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز بررسی نماید. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که آخرین وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی درباره استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چرا جمهوری اسلامی ایران از یک سند مدون و رسمی استراتژی امنیت ملی برخوردار نیست؟ برای پاسخ به این سؤال به بررسی و نقد ادبیات موجود شامل مطالعات و تحقیقات مکتوب و در دسترس درباره سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. این مقاله با بررسی آخرین مطالعات در حوزه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسد که این روش‌ها بیش از آنکه به یک سند استراتژیک آینده‌نگر شباهت داشته باشند، تحلیل‌هایی هستند که می‌توانند «روش مبتنی بر مؤلفه‌های استراتژی» را در رسیدن به یک سند مدون و برنامه‌ای برای عمل یاری رسانند.

واژگان کلیدی

امنیت ملی، سند استراتژی امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، وضعیت مطالعاتی، علم‌سنجی

مقدمه

امنیت ملی هر کشور و دولت جزء مهم‌ترین دغدغه‌های آن است و از این رو، باید با طراحی و تدوین یک برنامه بتواند تهدیدهای خود را شناسایی و راه‌های مقابله با آن را مشخص و تقویت امنیت خود را سرلوحه سیاست‌های خود قرار دهد. این کار معمولاً با تدوین یک سند استراتژی امنیت ملی صورت می‌گیرد و در فواصل معین زمانی بر اساس تحولات داخلی و بین‌المللی تجدید می‌گردد. انجام این کار که به صورت رسمی توسط دولت‌ها انجام می‌شود، معمولاً مبتنی بر مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای است که در یک کشور در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی صورت می‌گیرد. تاکنون مطالعات و تحقیقات متعدد در مورد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ضرورت تدوین یک سند استراتژی امنیت ملی صورت گرفته است، اما تاکنون کمتر کسی به مطالعه آخرین وضعیت این مطالعات و تحقیقات پرداخته به‌ویژه اینکه چرا در جمهوری اسلامی ایران به‌رغم وجود احساس مشترک میان محققان و سیاست‌گذاران مبنی بر ضرورت تدوین سند استراتژی امنیت ملی، هنوز این سند تدوین نشده است. این مقاله سعی دارد به مطالعه نقادانه وضعیت موجود مطالعاتی و تحقیقاتی در مورد تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد تا ضمن کشف انواع مطالعات موجود، چرایی عدم تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز بررسی نماید. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که آخرین وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی درباره استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چگونه است و چرا جمهوری اسلامی ایران از یک سند مدون و رسمی استراتژی امنیت ملی برخوردار نیست؟ برای پاسخ به این سؤال به بررسی و نقد ادبیات موجود شامل مطالعات و تحقیقات مکتوب و در دسترس درباره سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

بعد از مقدمه به مسئله جایگاه نظری بررسی وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی یک موضوع، مانند استراتژی امنیت ملی، در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌پردازیم. بخش سوم به مباحث مفهومی می‌پردازد. در بخش چهارم به سابقه تحقیق اشاره خواهد شد. در این بخش نخست به وضعیت تدوین سند استراتژی امنیت ملی در

کشورهایی چون آمریکا، انگلیس، روسیه، چین و رژیم صهیونیستی اشاره و سپس ادبیات موجود در ایران را بررسی می‌کنیم. در بخش‌های پنجم و ششم به بررسی وضعیت مطالعاتی موجود (شامل بررسی منابع موجود و دسته‌بندی دیدگاه‌های آن‌ها) از یک سو، و احصای موانع تدوین سند استراتژی امنیت ملی از دید محققان اشاره شده است. در نتیجه‌گیری، راهکارها و چشم‌انداز پیش رو ارائه خواهد شد.

۱. جایگاه نظری بررسی وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی موضوعات علمی

این تحقیق را می‌توان از نوع مطالعات علم‌سنجی دانست. «علم‌سنجی» عبارت از علم اندازه‌گیری و تحلیل علم است.^۱ بر اساس یک تعریف، علم‌سنجی یعنی بررسی کمی و کیفی و پاسخ به این سؤال که در هر حوزه علمی «چه کسی، کجا، چه کار می‌کند». این نوع مطالعه می‌تواند شامل شناسایی افراد و سازمان‌های اثرگذار در رشته‌های مختلف علمی، شناسایی موضوعات نوظهور پژوهشی، بررسی روند توسعه رشته‌ها با گذشت زمان، یا توزیع جغرافیایی و سازمانی تولیدات علمی شود (Glossary of Thompson, 2008). یکی از مهم‌ترین فواید علم‌سنجی یعنی شناسایی مهم‌ترین افراد، مؤسسات، دانشگاه‌ها و سایر عوامل مرتبط با تولیدات و فعالیت‌های علمی این است که می‌تواند راهگشا و زمینه‌ساز برقراری ارتباط، همکاری نظام‌مند علمی و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف باشد (نوروزی چاکلی و دیگران، ۱۳۸۶).

در این راستا یکی از فعالیت‌های محققان در هر رشته علمی این است که آخرین وضعیت آن رشته یا موضوعات مختلف درون آن رشته را مطالعه کنند که این عمل اصطلاحاً به «مطالعه آخرین وضعیت رشته»^۲ معروف است. مطالعه آخرین وضعیت رشته یعنی «تشخیص بالاترین سطح پیشرفت هر ابزار، فناوری و یا رشته علمی که در یک زمان خاص بدان نائل آمده است».^۳ به عبارت دیگر، آخرین سطح دانش در یک رشته، مثلاً علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، که در یک زمان خاص وجود دارد، را مطالعه آخرین وضعیت رشته می‌نامند. این امر در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل رایج است؛ برای نمونه، فردریک کراتوچویل و جان راگی در مقاله‌ای، که در فصلنامه معتبر سازمان‌های بین‌المللی منتشر شده، به بررسی آخرین

وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی گرایش سازمان‌های بین‌المللی در رشته روابط بین‌الملل پرداخته‌اند (Kratochwil & Ruggie, 1986). یا جانانان کرشنر در فصلنامه معتبر مطالعات امنیتی به بررسی آخرین وضعیت دانش درباره تحریم‌های اقتصادی پرداخته است (Kirshner, 2002). در این مورد می‌توان به ده‌ها مقاله دیگر نیز اشاره کرد.

متأسفانه در ایران چنین مطالعاتی به‌ندرت یافت می‌شود. به‌عبارت دیگر، اگر محقق یا دانشجویی علاقه‌مند باشد آخرین وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی در یک حوزه، مثلاً «رژیم صهیونیستی» شناسی در ایران، مطالعات آمریکا در ایران و غیره، را به دست آورد، هیچ منبعی در این زمینه وجود ندارد و خود باید دست به کار شود و با مطالعه گسترده، تصویری از وضعیت این مطالعات کسب نماید؛ از این‌رو، می‌توان به اهمیت مطالعات آخرین وضعیت رشته در هر موضوع و رشته علمی پی‌برد. در واقع نویسندگان در این مقاله با بررسی بیشتر آثار در باب تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران که در دسترس بوده است، به‌دنبال نشان دادن آخرین وضعیت دانش در این حوزه، به‌ویژه فهم این مسئله که چرا هنوز یک سند مدون استراتژی امنیت ملی وجود ندارد، برآمده‌اند و این نو و بدیع بودن این تحقیق را نشان می‌دهد. بدیهی است این مطالعه مبنای نظری ندارد و با استفاده از مطالعات علم‌سنجی که از نوع مطالعات اکتشافی است، صورت می‌گیرد.

۲. بررسی مفاهیم

برای بررسی مطالعات و تحقیقات درباره استراتژی امنیت ملی لازم است تا به‌اختصار به مفاهیم استراتژی و امنیت ملی و رابطه میان این دو، نظر افکنیم. ارائه تعریفی مشخص از مفهوم استراتژی دشوار است (Murrey et al., 1997, p.1)، ولی در یک تقسیم‌بندی جامع تعاریف ارائه‌شده برای این مفهوم در پنج نسل قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: هنر جنگیدن، مدیریت جنگ، برنامه‌ریزی سازمانی، مدیریت ملی و مهندسی جهانی (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۴، صص ۱۹-۳۶).

با این حال، توجه به خاستگاه تاریخی مفهوم استراتژی و تسلط و کاربرد متداول آن در علوم نظامی، جدا کردن استراتژی از صبغه نظامی آن را عجولانه می‌نمایاند (Gray, 1999, p.19)، هرچند در میان قائلان به عدم جدایی بستر نظامی از مفهوم

استراتژی نیز اختلافاتی وجود دارد؛ برای نمونه، استراتژی از نظر بوفر^۴ در هنر کاربرد زور یا فشار برای رسیدن به اهداف تعیین شده سیاسی و هنر دیپلماتیک نیروها در استفاده از زور برای حل منازعاتشان معنی می‌شود (Gray, 1999, p.18). اما استراتژی از نظر لیدل هارت^۵ در هنر توزیع و به کارگیری نیروهای نظامی در دستیابی به اهداف سیاسی مفهوم می‌یابد (سعیدی و مفیدنژاد، ۱۳۸۸، ص ۶). لذا بوفر برخلاف هارت معتقد است که پیروزی در یک جنگ، هدف سیاسی نیست بلکه هدف، صلح بعد از آن است (بوفر، ۱۳۶۶، ص ۲۶). اما همه این افراد استراتژی را از بستر نظامی موجود در تعریف کلاوزویتس^۶ جدا نمی‌دانند. بنابراین استراتژی همچون پلی میان اهداف سیاسی و قدرت نظامی است (Gray, 1999, p.19).

اما امنیت ملی در توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی ضد حیات سیاسی یا منافع ملی خود نمود می‌یابد؛ بنابراین، امنیت ملی هدف و استراتژی روش حفظ آن است. از طرف دیگر، مطالعات امنیتی از لحاظ زمانی متأخر از مطالعات استراتژیک است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) و از لحاظ گستردگی، مطالعات استراتژیک را تحت پوشش قرار می‌دهد (Craig, 2008, pp.3-9)؛ هرچند که ورود این مطالعات نیز در ایجاد نگاه چندبعدی در طراحی استراتژیک مؤثر افتاد (Davies & Davies, 2000, pp.25-30). مطالعات امنیتی نیز با توسعه حیطه خود همراه بوده است، به نحوی که امروزه شاهد بررسی جنبه‌های جدید تهدیدگر امنیت ملی، همچون شبکه جهانی اینترنت (Tran, 2002, pp.237-241)، گسترش دامنه از تهدیدات نظامی بازیگران دولتی تا تهدیدات ناشی از بلایای طبیعی (Hough, 2008)، توجه به منابع غیرنظامی امنیت (Koithara, 1999) و ورود مفاهیم جدید، همچون امنیت مبتنی بر همکاری^۷ به این عرصه هستیم (Rotblat, 1991, p.25).

۳. پیشینه تحقیق

موضوع تدوین سند استراتژی امنیت ملی در برخی کشورها امری رایج است و این کشورها دارای سند استراتژی امنیت ملی می‌باشند. در این بخش نخست، به این موضوع در تعدادی از کشورها می‌پردازیم تا به اختصار نشان دهیم که تدوین سند امنیت

ملی در این کشورها چه وضعیتی دارد. سپس به ادبیات مربوط به این موضوع در داخل کشور اشاره می‌کنیم.

مفهوم جدید امنیت ملی با پایان یافتن جنگ جهانی دوم توسط آمریکا ارائه شد. قانون امنیت ملی در ۱۶ جولای ۱۹۴۷ به امضای ترومن^۸ و در ۱۷ سپتامبر به تصویب سنا درآمد. سنا موافقت خود با حضور فرستال^۹ به‌عنوان اولین وزیر دفاع را اعلان کرد و بیشتر مواد قانون از ۱۸ دسامبر به اجرا درآمد. این قانون در سال بعد اصلاح شد. تأسیس وزارت دفاع، سی‌آی‌ای (CIA) و شورای امنیت ملی از نتایج این قانون بود. بدین ترتیب، ایالات متحده پیش از همه بر ضرورت گام برداشتن به ایجاد سند امنیت ملی واقف گشت. در ۱۹۸۶ قانون گلدواتر- نیکولز^{۱۰} در راستای ضرورت بازسازی دائمی وزارت دفاع تصویب شد. این قانون ارتقای امنیت آمریکا، تقویت شکوفایی اقتصادی آمریکا و ترویج مردم‌سالاری و حقوق بشر در خارج از کشور را اهداف حیاتی این کشور دانست (ایزدی، ۱۳۸۰، ص ۲). امنیت ملی آمریکا در دوران جنگ سرد در قالب استراتژی‌های انحصار اتمی، ضربه دوم، جنگ ستارگان و با هدف مهار شوروی (سابق) ترسیم شد (ایزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹). اما ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در ایجاد یک سند مدون از استراتژی امنیت ملی است؛ زیرا برای اولین بار رئیس‌جمهور می‌تواند بعد از تصویب کنگره در قالب یک سند این استراتژی را منتشر سازد (لطفیان، ۱۳۷۶، صص ۱۵۷-۱۵۸). اولین سند در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ تدوین شد. این سند بر پایه قانون گلدواتر- نیکولز و «راهبرد سیاست دفاعی آمریکا» - مصوب ۱۹۹۲ در وزارت دفاع - تدوین و دکتترین جنگ پیشگیرانه بوش بر آن سایه افکنده بود^{۱۱} و در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ سند دیگری تصویب شد. در تدوین این سند رئیس‌جمهور، مشاوران اصلی او و شورای امنیت ملی نقش اساسی و وزارت‌خانه‌ها در رتبه بعدی قرار دارند. همچنین نقش مطبوعات، گروه‌های فشار و سایر مردم در فرایند بازخورد نمایان می‌شود. آخرین سند در ۲۶ می ۲۰۱۰ تصویب شد و برای اولین بار یک رئیس‌جمهور دموکرات به انتشار این سند پرداخت. در سند منتشرشده توسط اوباما ایده جنگ جهانی ضد تروریسم، جنگ پیشگیرانه و الفاظی چون رادیکالیسم اسلامی حذف گردید و بر

دیپلماسی، به‌ویژه در رابطه با هند، چین و روسیه، عدم اشاعه هسته‌ای و تغییرات آب و هوا توجه شده است.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با جهانی کردن مفهوم امنیت در افزایش شمار کشورهای که به تدوین این سند پرداخته‌اند، مؤثر بود.^{۱۲} انگلستان نیز اولین استراتژی امنیت ملی خود را در مارس ۲۰۰۸ منتشر و در ژوئن ۲۰۰۹ به‌طور کامل مورد بازبینی قرار داد.^{۱۳} نخست‌وزیر در ۹ مارس ۲۰۰۹ دیوانخانه امنیت ملی را تأسیس کرد. کارشناسان علمی، اجتماعی، تجاری و نظامی در این دیوانخانه، به ارائه مشورت به کمیته امنیت ملی می‌پردازند.^{۱۴} در ادامه، روسیه در می ۲۰۰۹ نخستین استراتژی امنیت ملی خود را منتشر ساخت.^{۱۵} این سند تا سال ۲۰۲۰ معتبر است و جایگزین مفهوم امنیت ملی - که در ۱۹۹۷ تعریف و در ۲۰۰۰ تصحیح شده بود - شد.^{۱۶} و برای اولین بار فصولی چون «علم»، «فرهنگ» در استراتژی مورد توجه خاص قرار گرفت.^{۱۷}

چین از دهه ۱۹۷۰ اصلاح استراتژیک خود را آغاز کرد. برخلاف وجود دگرگونی‌های زیاد در استراتژی امنیت ملی روسیه، استراتژی چین تغییر چندانی با سیاست‌های امنیتی سابق ندارد.^{۱۸} خیزش به مدرنیزاسیون، ایجاد وحدت ملی، حفظ صلح جهانی و ارتقای توسعه سه وظیفه اصلی دولت برشمرده شده‌اند. جامعه‌پذیری و مسئولیت‌پذیری بیشتر چین در عرصه بین‌الملل در زمره نکات جدید این استراتژی قرار دارند. مبارزه با یکجانبه‌گرایی، کمک به صلح جهانی، همکاری با آمریکا در مبارزه با تروریسم و مشکلات منطقه‌ای همچون بحران کره شمالی، اولویت دادن به مردم در دیپلماسی، افزایش ارتباط با کشورهای توسعه‌یافته و رشد چهارمرحله‌ای تولید ناخالص داخلی (GDP) در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ از اهداف موجود در این استراتژی هستند.^{۱۹} با این حال، هنوز بسیاری از بازیگران، همچون رژیم صهیونیستی، دارای یک سند منتشرشده از استراتژی امنیت ملی نیستند. البته، این امر لزوماً به معنای عدم پیروی از راهکار مشخصی در پیشبرد امنیت ملی نیست؛ برای نمونه، می‌توان اولویت نظامی در مقابل همسایگان، حفظ روابط ویژه با آمریکا و حمایت از دولتی که یهودیان را گردهم آورد، را جزء اصول همیشگی رژیم صهیونیستی دانست.^{۲۰} مطالب ذکر شده می‌تواند آغازی خوب برای مقایسه و بررسی وضعیت تحقیق در ایران باشد.

بر اساس مطالعه‌ای که توسط نویسندگان انجام شد، به جرئت می‌توان گفت تاکنون هیچ پژوهش مشابهی در مورد آخرین وضعیت ادبیات مربوط به تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صورت نگرفته، هرچند درباره چرایی عدم تدوین سند امنیت ملی مباحثی پراکنده وجود دارد. برای نمونه، تنها محمدرضا تاجیک در کتاب خود به بخشی از علل عدم موفقیت در این زمینه، همچون وجود محیط کدر تصمیم‌گیری، تلون و تعدد گفتمانی، چند هسته‌ای بودن کانون گفتمان مسلط سیاسی-اجتماعی، عدم تعیین دقیق عناصر شکل‌دهنده گفتمان امنیتی- استراتژیک، نبود ملاک برای تعریف خودی از غیرخودی و تحلیل دقیق از اوضاع و تصویر دیواره‌ای شکننده برای جامعه امن خود، اشاره کرده است (تاجیک، ۱۳۸۱، صص ۱۹-۲۶). این ادعا از آن جهت است که در سایر پژوهش‌ها و حتی در آثاری که در تلاش برای بررسی ابعاد مختلف این استراتژی برآمده‌اند، همچون کتاب «استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، کمتر با بررسی وضعیت مطالعاتی و تحقیقاتی موجود در باب استراتژی امنیت ملی ایران به چرایی نبود یک سند استراتژی امنیت ملی اشاره شده است. این کتاب، که متشکل از مجموعه‌ای از مقالات ارائه‌شده در یک هم‌اندیشی است، علاوه بر تحلیل روش‌شناختی و محتوایی استراتژی امنیت ملی، به مورد ایران نیز اشاره نموده است. در فصل دوم سعی بر آن است تا با استفاده از روش طراحی استراتژی با توجه به مؤلفه‌های آن- که در ادامه بحث خواهد شد- مؤلفه‌های اثرگذار بر محیط امنیتی پیرامون ایران را شناسایی نماید. باین‌حال، این فصل بیش از آنکه به ایران بپردازد، مؤلفه‌های عامی را بهره برده که معمولاً ضروری است تا در استراتژی امنیت ملی هر کشور مورد توجه قرار گیرند و حتی در انطباق این مؤلفه‌ها با مورد ایران به بیش از دو صفحه، که با موشکافی همراه نیست، اکتفا نموده است که البته با توجه به محدودیت تعداد صفحات امری بدیهی می‌نماید. مباحث نظری، به‌ویژه نظریات دانشمندان اسلامی و رابطه نظریه دارالاسلام با امنیت ملی، محوریت فصل پنجم قرار گرفته است. در فصل ششم نیز الگوی تعادل تهاتری به‌عنوان راهکار مناسبی برای امنیت ملی ایران برشمرده شده است و مقتضای این الگو در تکثرگرایی داخلی، تنش‌زدایی در خارج، توسعه اقتصادی مبتنی بر رقابت برد- برد، همکاری‌های دفاعی دو یا چندجانبه برشمرده شده

است. بنا بر این الگو راهکار کسب امنیت در برقراری تعادل در عرصه داخلی و خارجی و میان این دو است. در فصل هفتم و هشتم به ترتیب به تأثیرات امنیتی افغانستان و حوادث بعد از یازده سپتامبر و حضور آمریکا در همسایگی ایران اشاره شده است (استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴). بنابراین در این اثر نیز نه از باریک‌بینی‌های بررسی استراتژی امنیت ملی خبری است و نه از چرایی نبود این امر در ایران و اهداف دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به علاوه حضور این آثار نشان از وجود تحلیل‌های درخور تقدیری از استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است، ولی به چرایی نبود این سند اشاره نگردیده است. این مسئله در اثر «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» اثر ولی‌پور زرومی مشهود است، که در صفحات بعد به بحث در مورد این اثر و گفتمان پژوهی پرداخته خواهد شد. در ادامه با تقسیم‌بندی آثار صورت گرفته با تفصیل بیشتری به این ادعا اشاره خواهد شد.

۴. آخرین وضعیت مطالعاتی موضوع سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در صورتی که تقسیم ارائه‌شده توسط اصغر افتخاری و همکارانش در مورد نسل‌های مختلف استراتژی را ملاک قرار دهیم (هنر جنگیدن، مدیریت جنگ، برنامه‌ریزی سازمانی، مدیریت ملی و مهندسی جهانی)، بیشتر پژوهش‌ها در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در قالب الگوی مهندسی جهانی و با شروع جنگ تحمیلی در قالب دو نسل اول و دوم (هنر جنگیدن/ مدیریت جنگ) و با پایان یافتن جنگ در قالب نسل سوم (برنامه‌ریزی سازمانی) و بعد از تدوین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در قالب نسل چهارم (مدیریت ملی) جای می‌گیرند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۴، صص ۱۹-۳۶). اما بسیاری معتقدند که با انتخاب آقای دکتر احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴، با وجود تفاوت‌هایی، به الگوی غالب در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی یعنی مهندسی جهانی نزدیک شده‌ایم (Ansari, 2007, pp.41-90 & Naji, 2008).

مطالعات ما نشان می‌دهد در مجموع می‌توان پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در دسته‌های زیر جای داد. این دسته‌بندی را ضمن مطالعه منابع موجود به صورت اکتشافی و استنباطی استخراج

کرده‌ایم و هیچ مبنای نظری قبلی ندارد. شاید به همین دلیل است که برخی پژوهش‌ها را می‌توان در بیش از یک دسته قرار داد.

۴-۱. توجه به برخی ابعاد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پژوهش‌های صورت‌گرفته در این دسته بیشترین تعداد را شامل می‌شوند. برخی به مسائل امنیتی ایران همچون مسائل سیاست خارجی، نظامی، اجتماعی، حقوقی، منطقه‌ای، و بین‌المللی نگاه کرده‌اند؛ برای نمونه، می‌توان از کتاب‌های *ارتباطات و امنیت ملی در جنگ ایران و عراق*، و *نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران* نام برد. در کتاب اول به مسائلی چون اهمیت تبلیغات، اطلاعات و روزنامه‌ها در شرایط جنگ برای امنیت ملی اشاره شده است. در کتاب دوم علاوه بر آنکه به اهمیت بین‌المللی انرژی به‌عنوان یک منبع کسب درآمد برای حفظ امنیت اشاره شده، یعنی انرژی را به‌مثابه یک امر عرضی در امنیت که به‌طور غیرمستقیم و با سرمایه‌های ناشی از آن به امنیت‌زایی کمک می‌کند، خود انرژی را نیز به‌صورت ذاتی از لوازم امنیت، حداقل برای کشورهایی چون ایران، برشمرده که صرف سرمایه‌گذاری در آن بر امنیت ملی کشور تأثیر مثبت دارد (رنجبر، ۱۳۸۰). امید زمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود بعد از بررسی تاریخ لبنان و چگونگی سهیم شدن آن در تحولات ایران، صدور فرهنگ انقلاب اسلامی، مقابله با رژیم صهیونیستی، حمایت از وحدت کلیه گروه‌های اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی در لبنان به‌عنوان اهداف درازمدت و حمایت از سیاست‌های سوریه و تشکیل حکومت اکثریت در لبنان را در زمره اهداف کوتاه‌مدت جمهوری اسلامی ایران برشمرده شده است (امیدزمانی، ۱۳۶۹). فرجوند در پژوهش خود با بررسی تهدیدات سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، انتخاب‌هایی همچون تجهیز ایران به این سلاح‌ها در دو قالب خروج از پیمان‌ها یا باقی ماندن در آن‌ها و فریب‌کاری در دستیابی به آن‌ها را به‌لحاظ هزینه و میزان موفقیت در وصول به بازدارندگی مورد بررسی و نقد قرار داده و راهکار توان شبه‌هسته‌ای را مورد تأیید قرار داده است و به‌نحوی با تأکید بر موضع استراتژیک در عرصه نظامی از منظری تهدیدمحور به امنیت جمهوری اسلامی ایران توجه شده است (فرجوند، ۱۳۸۱، صص ۱۶۴-۲۳۰).

برخی دیگر از نوشته‌ها به منابع اصلی استخراج استراتژی برای جمهوری اسلامی ایران مثل قانون اساسی، سخنان حضرت امام(ره)، سخنان مقام معظم رهبری(دام‌ظله)، سخنان مسئولان، سند توسعه، چشم‌انداز ۱۴۰۴، و ویژگی‌های هویتی شیعی- ایرانی نظر داشته‌اند (افتخاری، ۱۳۸۴، صص ۴۶-۴۸)؛ برای نمونه، برای تبیین استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی از دیدگاه‌های فقهی حضرت امام(ره) در مورد جهاد ابتدایی، همچون صدور مجوز این جهاد صرفاً در زمان حضور معصوم، و جهاد دفاعی، همچون وجوب عینی آن بر مسلمانان (ابریستان، ۱۳۷۷، صص ۱۱۰-۱۱۴)، برای نشان دادن این مسئله استفاده شده است که دفاع از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و منافع ملی در حین پایداری بر اصول انقلابی، استراتژی ایران در آن زمان را ترسیم ساخته بود (ابریستان، ۱۳۷۷، ص ۳۰۷). همچنین در برخی منابع با استفاده از برنامه توسعه اول، دوم و سوم، استراتژی رشد‌محور مورد تحلیل قرار گرفته است (سعدآبادی، ۱۳۸۲، صص ۱۷-۲۲). در برخی نوشته‌ها توجه به نهادهای مسئول در زمینه امنیت مثل رهبری، مجمع تشخیص مصلحت، شورای عالی امنیت ملی، نیروی انتظامی، و وزارت اطلاعات مورد بررسی واقع شده است؛ برای مثال، در مقاله‌ای، با مبنا قرار دادن این نکته که در جهان کنونی کسانی از قدرت بیشتری برخوردارند که میزان دریافت اطلاعات آن‌ها بیش از میزان تولید آن باشد، به نقش سازمانی چون وزارت اطلاعات در حفظ امنیت ملی اشاره شده است (محسنی، ۱۳۷۷). واضح است که این نوشته‌ها و بسیاری دیگر تحقیقات مشابه که امکان ذکر آن‌ها در این مقاله به سبب طولانی شدن وجود ندارد، صرفاً به برخی ابعاد امنیت و استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند.

۴-۲. استخراج استراتژی امنیت ملی با ارجاع به مؤلفه‌های امنیت در ایران

در برخی آثار تلاش شده است تا با برشمردن عناصر تشکیل‌دهنده این استراتژی، آن را با مورد جمهوری اسلامی ایران تطبیق دهند. هرچند در این پژوهش‌ها سعی شده تا با بررسی قالب استراتژی به انطباق محتوای آن با مورد ایران بپردازند، ولی از آنجاکه فهم این قالب و چگونگی قرار دادن محتوا در آن نیاز به پژوهشی جامع و همکاری

کارشناسان در زمینه‌های علمی مختلف دارد، لذا اغلب حداکثر به‌طور دقیق تنها یکی از مؤلفه‌های استراتژی بررسی شده است؛ برای مثال، با بررسی عنصر هدف در طراحی استراتژیک، اهداف به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم شده‌اند. در بخش اهداف داخلی به اهداف اقتصادی-اجتماعی (همچون مبارزه با فقر، بهره‌برداری بهینه از منابع، رونق بخش کشاورزی و خدمات درمانی، مبارزه با گران‌فروشی) و اهداف سیاسی-نظامی (همچون برقراری نظم و آرامش در نواحی مرزی و داخلی، حفظ امنیت اماکن مقدسه، حل مشکل بلوچ‌ها و کردها، مقابله با تهاجم فرهنگی) و در بخش اهداف خارجی به اهداف اقتصادی - سیاسی (همچون کاهش وابستگی اقتصادی، گسترش روابط با اعضاء اوپک، غیرمتعهدها و کنفرانس اسلامی، گسترش روابط با هند، چین، روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی) و اهداف سیاسی - نظامی (همچون گسترش نفوذ اسلام‌گرایان در منطقه و جهان، حل مشکل جزایر سه‌گانه، مبارزه با منافقین) اشاره شده است (لطفیان، ۱۳۷۶، صص ۲۲۴-۲۲۷). مزیت نسبی این روش در ویژگی پیشینی آن است. بدین معنا که می‌توان قبل از عمل از یک استراتژی برخوردار بود و تنها از طریق این روش می‌توان به یک استراتژی معطوف به آینده دست یافت. با این حال، بر اساس منابع موجود و قابل دسترس، استخراج استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق این روش هیچ‌گاه به‌صورت کامل و تخصصی صورت نگرفته است. به‌علاوه، نه بر روی مؤلفه‌ها و نه در مورد چگونگی تطبیق آن‌ها با مورد ایران اجماع وجود ندارد.

۳-۴. توجه به دیدگاه‌های موجود در مورد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در شماری از پژوهش‌ها شاهد جمع‌آوری دیدگاه‌های شفاهی یا کتبی، رسمی یا غیررسمی نخبگان سیاسی و علمی در مورد استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستیم. گاه ذکر خود دیدگاه موضوعیت دارد؛ مثلاً از جمله دیدگاه‌های موجود را می‌توان دیدگاه مبتنی بر رشد اقتصادی، مبتنی بر تفکر سنتی با هدف تداوم اقتدار دولت مرکزی و تأکید بر بسیج عمومی، دیدگاه مبتنی بر توسعه فرهنگی و دیدگاه مبتنی بر رفاه اجتماعی، به‌ویژه در عدالت توزیعی برشمرد (حاجیان، ۱۳۸۱، صص ۵-۱۰). در

پاره‌ای از مواقع طیف ارائه‌دهنده دیدگاه از موضوعیت برخوردار است؛ برای مثال، در کتاب *منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، که در سه فصل (۴، ۵ و ۶) به مسائل مرتبط با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته، پس از شرح شرایط دو دهه آغازین بعد از انقلاب، دهه نخست را با طرد منافع ملی و اولویت دادن به منافع فراملی، همچون منافع دینی، و دهه دوم را با طرح اندیشه ملی در منافع برابر دانسته است. به علاوه منافع ملی را از منظر جناح‌های سیاسی نیز بررسی نموده است. در این کتاب محور منافع و امنیت ملی برای جناح راست در ابتدا منافع «امت»، برای جناح چپ منافع «انقلابی»، برای کارگزاران «منافع دولت با تأکید بر رشد اقتصادی» و برای چپ جدید منافع «سیاسی» همچون دموکراسی و آزادی، قلمداد گشته است (رنجبر، ۱۳۸۲، صص ۱۷۶-۱۸۷). عدم حیطة‌بندی زمانی از ویژگی‌های این روش است؛ بدین معنا که در این روش همزمان ممکن است همه دیدگاه‌ها موجود باشند. در این روش با توجه به فضای سیاسی و امنیتی کشور انتخاب‌های موجود برای اتخاذ استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحلیل و بررسی می‌گردد. اما صرف وجود یک دیدگاه به معنای بالفعل شدن آن نیست و ممکن است صرفاً نظر شخصی و گاه غیرتخصصی یک فرد یا گروه، بدون توجه به میزان اجماع پشتیبان آن، معیار قرار داده شود. در این روش بیشتر به موضوع محوری و هدف استراتژی اشاره می‌شود. لذا معمولاً از باریک‌بینی‌های خاص طراحی استراتژی و توجه همه‌جانبه به ابعاد این انتخاب غافل می‌ماند.

۴-۴. بررسی استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق گفتمان

تعداد پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه در رتبه دوم جای دارد.^{۲۱} در مجموع در این پژوهش‌ها از وجود سه گفتمان سخن به میان آمده است: گفتمان بسط‌محور با هدف توسعه انقلاب، گفتمان حفظ‌محور با هدف حفظ نظام و دستاوردهای انقلاب در زمان جنگ تحمیلی و گفتمان رشد‌محور با هدف توسعه به‌ویژه اقتصادی که با پایان یافتن جنگ آغاز شد (تاجیک، ۱۳۸۱، ص ۶). البته در یک پژوهش از وجود سه گفتمان هویت‌محور با هدف روشن شدن مرز خودی از غیرخودی، توسعه‌محور (از وفات امام تا پایان دوره نخست خاتمی) و قدرت‌محور که حاصل تجربه زیست در جهان واقعی

است، سخن به میان آمده است (پورسعید، ۱۳۸۷). ملموس بودن این گفتمان‌ها، مشخص بودن دوره زمانی تسلط یک گفتمان، توجه به وجود حداقل مناسبی از اجماع در سطح افکار عمومی و نخبگان سیاسی، به‌روز بودن و توجه بیشتر به چگونگی تغییر و انطباق استراتژی اخذشده با تحولات سیاسی - اجتماعی از جمله مزایای این روش است. باین‌همه، به کارگیری این روش آن را از دو نوع نقد مصون نمی‌دارد: نقد مربوط به ماهیت گفتمان از یک سو و نقد مربوط به تطبیق آن با مورد جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر. در نقد اول باید گفت که گرچه برای فهم یک پدیده می‌توان آن را در بستر گفتمانی خود معنا کرد، ولی این به معنای معنادار بودن همه پدیده‌ها نیست و چه بسا بسیاری از پدیده‌های به‌ظاهر هماهنگ با گفتمان در اثر ایجاد سازوکار انقیاد مشابه با ایدئولوژی (مک‌دانل، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵)، عدم فهم درست گفتمان، امکان صورت گرفتن تفسیرهای متفاوت از بافت موقعیتی و متنی توسط مشارکت‌کنندگان (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۴۳)، اشتباه سهوی یا عمدی در پذیرش یا رد گفتمان، فضاسازی نویسنده در جهت سوگیری در انتخاب، اتفاقات ناخواسته یا قرار گرفتن واژه نادرست برای یک مفهوم (Hoover, 1980, p.19) ایجاد شوند و افراد ناآگاه و غیرکارشناس به‌طور آزادانه و مسئولانه به بازتولید گفتمان بپردازند، بدون آنکه از خود در مورد علل انتخاب گفتمان مسلط سؤال کنند (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص ۵۳-۵۵). بنابراین در گفتمان به چگونگی و علل انتخاب و تغییر گفتمان توجه نمی‌شود. به‌علاوه ممکن است درون یک استراتژی چندین گفتمان وجود داشته باشد (عضدانلو، ۱۳۸۰، ص ۵۹). در نقد دوم باید گفت که صرف آمار کمی برای نشان دادن گفتمان مسلط در زمینه استراتژی برای نشان دادن گفتمان شکل‌گرفته در جامعه کافی نیست و با توجه به آنکه کشف گفتمان باید با کسب اجماع بین‌الذهانی جامعه صورت پذیرد، نمی‌توان به‌صرف آنچه اکتفا کرد که اعلان می‌شود. این مسئله در کتاب *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران* به‌ویژه در جاهایی نمودار می‌گردد که سخنان مسئولان، همچون رفسنجانی و خاتمی، در حالی به‌عنوان سندی برای اثبات گفتمان مورد نظر ذکر شده که از ذکر اسنادی مؤید بر وجود اجماع در جامعه، حتی در سطح نخبگان، اشاره نشده است؛ برای مثال، این مسئله می‌تواند با ایجاد چالش در این اثر همراه باشد که دولت آقای هاشمی رفسنجانی

یا خاتمی بر گفتمان توسعه‌محور تأکید داشت، ولی چرا در موضوعات مهمی همچون سیاست خارجی همچنان بر حفظ مواضع برخوردارانه از گفتمان بسط‌محور اصرار گشته است. همچنین در آثار نوشته‌شده با این روش گفتمان‌ها «چه چیزی» و تا حدودی «چه زمانی» را پاسخ داده‌اند و از پاسخ به «توسط چه کسی» و «با چه آمریتی» غفلت ورزیده‌اند. برای مثال، در همین کتاب به زمان ورود گفتمان مبتنی بر ارزش‌هایی همچون آزادی و جامعه مدنی [با ورود خاتمی به عرصه قدرت] اشاره شده است ولی روشن نیست که گفتمان جدید تحت تأثیر جامعه داخلی قرار دارد یا هنجارهای بین‌المللی و روشن نیست که گفتمان جدید تا چه اندازه قادر شد تا سیاست‌گذاری‌ها را به تبعیت از خود فراخواند و آیا عملکرد کلیه سازمان‌های تحت مدیریت این دولت، همچون وزارت امور خارجه، در همه اوقات در راستای این گفتمان قرار داشته است. همچنین در نگارش‌های صورت‌گرفته به قبل و بعد از گفتمان مربوطه و شرایط زمانی و مکانی ظهور گفتمان توجه نشده است؛ برای مثال، در کتاب *گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران* گفتمان‌ها طوری بیان شده‌اند که گویا میان گفتمان زمان رفسنجانی با خاتمی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد و شرایط داخلی و خارجی مؤثر بر ایجاد گفتمان توجه مناسب مبذول نشده است؛ به همین دلیل، است که صرف ظهور دولت جدید با تولید روش جدید در امنیت ملی هم‌زمان دانسته شده است. به‌علاوه در استفاده از این روش باید توجه نمود که در جوامعی که سیاستمداران خود را در پاسخگویی به جامعه مسئول نمی‌دانند یا جامعه تقاضایی صورت نمی‌دهد، خودبه‌خود عنصر مؤلف حذف و ماهیت وجودی گفتمان از بین می‌رود، لذا قبل از استفاده از این روش باید به ثبوت سندیت آن در کشور مورد نظر اشاره کرد. در مجموع حتی اگر دو نوع نقد صورت‌گرفته برای استفاده از این روش در استخراج استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نادیده بگیریم، دوباره با مشکل عدم تطابق استراتژی و گفتمان مواجه می‌شویم؛ زیرا استراتژی طرحی الزامی برای رسیدن به هدف در آینده است، ولی اغلب از طریق روش گفتمان می‌توان صرفاً استراتژی در زمان حال را استخراج نمود.

به طور خلاصه، این بررسی به‌خوبی نشان‌دهنده آخرین وضعیت مطالعاتی در ادبیات موجود درباره تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و نشان می‌دهد موانع وجود یک سند استراتژی امنیت ملی به‌شکل نظام‌مند بررسی نشده است. در بخش بعد با استفاده از مطالعه منابع موجود به دسته‌بندی موانع موجود در تدوین سند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۵. موانع وجود یک سند استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران

در مورد علت نبود سند استراتژی امنیت ملی در بازه‌های زمانی سابق، مطالعاتی صورت پذیرفته است (برای نمونه رک. ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۱). همچنین، به‌صورت جسته و گریخته به برخی از عوامل مؤثر در مورد این موضوع اشاره شده که بازه زمانی جدید را شامل شود. با این حال، تاکنون بررسی جامع و مانعی صورت نگرفته که واکاوی بازه زمانی بعد از انقلاب اسلامی را در برگیرد. مطالعات ما در این مقاله نشان می‌دهد این عوامل عبارت‌اند از:

۵-۱. عدم مشخص بودن یک نهاد برای تدوین سند استراتژی امنیت ملی

امنیت ملی محدود به وزیر دفاع یا امور خارجه نیست (Sharp & Agbolaje, 2006, p.10)، ولی در مقام تصمیم‌گیری، تدوین این سند در بسیاری از کشورها بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار دارد. با این حال، عدم تعیین و تفکیک دقیق وظایف در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران سبب آن شده که پژوهشگران بدون درک دقیق از اولویت عمودی، در سنجش میزان اثرگذاری این نهادها با مشکل مواجه شوند و نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت، رهبری، و قوای سه‌گانه را در تدوین این سند در یک عرض مؤثر گمارند (افتخاری، ۱۳۸۴، صص ۴۶-۴۸). لذا موازی‌کاری و اختلاف در خط‌مشی‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌طوری که گاه راهکارهای امنیتی آن‌ها تفاوت زیادی از یکدیگر دارد؛ درحالی‌که آرایش دیوان‌سالاری باید بر اساس استراتژی امنیت ملی ریخته شود (پیشگاه هادیان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵).

۲-۵. بی‌توجهی به رابطه علم و عمل

عدم نهادینه شدن علوم انسانی و کاربردی دیدن آن‌ها در امور امنیتی و بهره بردن از پژوهش‌های علمی را باید از دو زاویه نگریست (مصفا، ۱۳۸۶): از طرفی همچنان علوم انسانی به خودباوری کافی برای ارائه آثار کاربردی دست نیافته است و عملاً با کم‌توجهی و بدون آزمون نظریه‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی همچنان برای فرار از برچسب اثبات‌گرایی صرفاً بر تفاسیر تکیه می‌دهد. از طرف دیگر هنوز جامعه ما از پذیرش کاربردی دیدن علوم انسانی سرباز می‌زند. نبود هم‌فهمی میان نخبگان علمی و مردم جامعه، بی‌توجهی به فرایند تصمیم‌سازی قبل از تصمیم‌گیری، و وجود فرهنگ تک‌روانه در بعد تصمیم‌گیری موجب شده است که هریک از عناصر اجتماعی و سیاسی ایران خود را در کالبد ادراکی خود و بدون توجه به سایر موضوعات تعریف کند. لذا از این جامعه نمی‌توان انتظار آن را داشت که در سطوح بالای تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی افرادی بر منصب نشینند که جدا از این فرهنگ تفکر می‌کنند. لذا شاهد آن هستیم که پژوهش‌های امنیتی بدون توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص ما و صرفاً با توجه به معیارهای تحقیقاتی جدید در زمینه امنیت بررسی می‌شوند. لذا این تحقیقات برای عرصه عمل مناسب نخواهند بود. از طرف دیگر بی‌توجهی زمامداران به جامعه علمی در دور ماندن این جامعه از عرصه‌های عملی بی‌اثر نبوده است. لذا تعامل میان این دو برای اصلاح هر دو ضروری است. هرچند که روزبه‌روز بر این تعامل افزوده می‌شود. با این حال با توجه به تحولات صورت‌گرفته در عرصه علمی و اجتماعی ایران نمی‌توان به راحتی میان دانشگاه و جامعه فاصله انداخت (مصفا، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). هرچند که تاکنون بهره بردن از جامعه علمی بیشتر در مقام توجیه‌کنندگی خط‌مشی بوده است تا مقام بهره بردن از مشورت علمی.

۳-۵. روزمرگی

فرهنگ اجتماعی و سیاسی شکل‌گرفته در جامعه ما با فرهنگ مبتنی بر برنامه‌ریزی، به‌ویژه طولانی‌مدت، فاصله دارد. بی‌توجهی به مدیریت زمان و هزینه‌های ناشی از سوختن زمان در ایجاد فضای روزمرگی در این فرهنگ مؤثر بوده است. این امر خود را

در سطح کلان جامعه نیز نمایان می‌سازد. البته در سال‌های اخیر تلاش‌هایی چون تدوین سند توسعه و چشم‌انداز ۱۴۰۴ نشان از بهبود این وضعیت دارد.

۴-۵. بی‌توجهی به تغییرات

وجود شرایط ناپایدار امنیتی و سیاسی حاکم بر کشورهای خاورمیانه در ایجاد تردید نسبت به تدوین یک سند مشخص برای استراتژی امنیت ملی مؤثر افتاده است (قهرمانپور، ۱۳۸۳، ص ۸۸). لذا در میان تصمیم‌گیران دو فضا حاکم شده است: عده‌ای برای تطبیق با تغییرات مداوم روزمرگی را پیش گرفته‌اند و در برخی، به‌ویژه در اوایل پیروزی انقلاب، برای مقابله با تغییرات و استحاله نشدن در آن‌ها پایه تصمیم‌گیری خود را بر اصل ثبات امور بنیان نهاده‌اند و بدین ترتیب، مثلاً بر اجرای حدود به‌صورت علنی تأکید داشتند و آن را اصلی تغییرناپذیر برای حفظ امنیت می‌گماشتند. اما این مسئله با درایت حضرت امام(ره) برطرف شد. لذا هر دو گروه به عدم نیاز به تدوین استراتژی و حتی نامناسب بودن آن در شرایط فعلی صحنه می‌گذارند. توجه به عنصر انعطاف مناسب در طرح‌ریزی سند استراتژی امنیت ملی، توجه به تقسیم‌بندی استراتژی‌ها بر اساس بازه زمانی یا توجه به انواع استراتژی، همچون استراتژی متراکم و پی‌درپی (کالینز، ۱۳۷۳، صص ۴۷-۴۸)، توجه به سلسله‌مراتب طولی در میان انواع مختلف استراتژی، توجه به سناریوسازی در تدوین استراتژی (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲، ص ۸) می‌تواند در حالی ما را از روزمرگی نجات دهد که گرفتار عدم انعطاف‌پذیری نیز نسازد.

۵-۵. عدم تناسب اهداف با توانمندی‌ها

توجه به محدودیت‌ها یکی از عناصر چهارگانه مدیریت استراتژیک است (رحمان‌سرشت، ۱۳۸۳، ص ۱۴). بی‌توجهی به وجود مراحل در رسیدن به هدف اصلی استراتژی سبب غفلت از توجه به رابطه میان اهداف کوتاه‌مدت با اهداف بلندمدت شده است. این در حالی است که دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت در طراحی استراتژی امنیت ملی راهی برای دستیابی به اهداف بلندمدت است. لذا اهداف کوتاه‌مدت خود را در پرتو توانمندی‌های موجود و اهداف بلندمدت تعریف می‌کنند و وصول به آن‌ها باعث

ایجاد شرایط واقعی و محسوس برای بالفعل کردن اهداف بلندمدت می‌شود. به این صورت راه برای فرار استراتژی امنیت ملی از توجه زائد به منافع کوتاه‌مدت و سقوط در معمای امنیت مورد نظر کنت بوث - این معما زمانی به وجود می‌آید که توجه زائد به امنیت امروز، امنیت فردا را مختل می‌سازد یا برعکس - فراهم می‌شود (Booth, 2008, p.1).

۵-۶. نبود سازوکارهای مشخص و مناسب در برقراری رابطه متقابل میان ملت و حکومت

نبود سازوکارهای ایجادکننده عرضه و تقاضا میان حکومت و ملت در ایجاد فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه و یک طرفه بودن عرضه از حکومت به مردم مؤثر بوده است. ایجاد سازوکارهای مالیاتی می‌تواند با ایجاد چرخه مناسب عرضه و تقاضا میان حکومت و ملت، شفافیت مناسب برای اصلاح و تکامل دو طرف را به وجود آورد (میدری، ۱۳۸۳، ص ۳۶۱). تقویت رابطه میان حکومت و ملت باعث نزدیک شدن افق‌های نگاه آن دو به یکدیگر و مانع از بی‌توجهی به رابطه میان اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت می‌شود و بدین ترتیب میان متغیرهای داخلی، خارجی و تصمیم‌گیرنده رابطه مناسبی به‌گونه‌ای برقرار می‌شود که ترس از کاهش محبوبیت سیاسی به‌علت توجه به اهداف بلندمدت در تدوین استراتژی امنیت ملی کاسته می‌شود (کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). به‌عبارت دیگر، مردم در جستجوی منافع کوتاه‌مدتی، همچون رفاه، به‌راحتی تن به پذیرش سیاست‌هایی، همچون هماهنگ ساختن اقدامات امروزی در مسیر سند چشم‌انداز، نمی‌دهند که باید از جانب مسئولان پیگیری شود. در نتیجه، این امکان وجود دارد که مسئولان نیز برای فرار از فشارهای گروه‌های سیاسی رقیب در بهره‌برداری از نارضایتی مردم جهت کنار زدن آن‌ها و بازتاب آن در رسانه‌ها از توجه به منافع بلندمدت سرباز زنند. درحالی‌که در صورت وجود سازوکار مناسب جامعه می‌تواند به درک بهتری از منافع بلندمدت نائل آید و از طرف دیگر، مسئولان نیز به علت نزدیک‌تر شدن با افق دید جامعه بهتر قادر هستند تا دغدغه‌های ملت را در اهداف و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت جای دهند.

۷-۵. عدم درک مناسب شرایط قبلی، فعلی و آینده

استراتژی طرحی است که در زمان حاضر با توجه به رابطه میان حال و گذشته برای وصول به اهداف در آینده ترسیم می‌شود (گروهی از اساتید، ۱۳۷۲، ص ۸). بدین ترتیب با مشخص شدن فرصت‌ها و محدودیت‌های حال و آزمون طرح‌های قبلی با نگاه به گذشته راه برای گریز از ایجاد شکاف میان آرمان و واقع در ترسیم این سند فراهم می‌شود (Neustadt & May, 1986). برای مثال توجه به سابقه تاریخی روس‌ها، در معاهداتی چون ترکمنچای و قزاقیای چون اشغال ایران بعد از جنگ جهانی دوم، مانع از آن می‌شود که در طراحی استراتژی امنیت ملی تکیه زیادی بر روس‌ها صورت گیرد.

۸-۵. عدم درک مناسب از مفهوم «استراتژی امنیت ملی»

وجود تعاریف متعدد از این مفهوم نشان از ابهام ذاتی آن دارد (خلیلی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۴)، ولی این امر نمی‌تواند ما را از عدم بنیان‌گرایی باز دارد؛ زیرا برای شروع هر عملی تکیه بر یک مفهوم، هرچند درست یا غلط، ضروری است و نمی‌توان در خلأ نظری اقدام نمود. ولی هرچه تعریف ما از این مفهوم انطباق بیشتری با اجماع دانشمندان این حوزه داشته باشد، مؤلفه‌های این مفهوم به صورت جامع‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. براین اساس، تعریف این مفهوم به مثابه ظرفی است که محتوای آن با توجه به موقعیت زمانی و مکانی خاص بومی می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲). در هر حال برای تدوین این سند در سطح کلان نیاز به قبول تعریفی واحد با مؤلفه‌های واحد هستیم که همگان، چه موافقان نظری و چه مخالفان نظری، مجبور به پذیرش عملی این تعریف و آثار آن باشند. البته توجه به فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر تصمیم‌سازی و توجه به شمول استراتژی در همه مسائل یک کشور (Jacobsen, 1990, p.10)، و حضور مباحث تخصصی در علوم طبیعی و انسانی در آن ما را به انعطاف‌پذیری طراحی استراتژی برای دستیابی به حداکثر اجماع واقف می‌سازد (قهرمانپور، ۱۳۸۳، ص ۸۶).

۹-۵. احساس تهدید

ناپایداری مسائل امنیتی خاورمیانه و ترس از کاهش محبوبیت سیاسی سبب آن شده که اغلب مواضع سیاسی و امنیتی در ظاهری چند چهره و قابل تفسیر بیان شوند. به نحوی

که حتی برخی از مسئولان بر استراتژی مبهم‌سازی تأکید می‌ورزند (موسوی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸). البته این گروه معتقدند که عدم توازن سخت‌افزاری میان ایران و دشمنان او سبب آن می‌شود که موافق مفهوم استراتژی غیرمستقیم، از جهتی به دشمن ضربه وارد کنیم که در آن موضع در ضعف است (بوفر، ۱۳۶۹، ص ۲۵۱). لذا با ایجاد جوی مبهم حریف را در برآورد توانایی‌های خود به‌منظور مقابله، با تردید مواجه می‌سازیم. لذا پیگیری سیاست‌های اعلانی امنیت‌زدا، همچون تأکید بر برنامه هسته‌ای و مبارزه با استکبار جهانی، را راهی مؤثرتر، از تدوین یک استراتژی مشخص، در ایجاد امنیت عملی (امنیت‌زایی) می‌انگارند. البته باید توجه داشت که استفاده از این روش میان نخبگان سیاسی با تردید مواجه است؛ برای مثال، محمدجواد لاریجانی از نبود یک استراتژی مدون در این زمینه شکوه می‌کند (لاریجانی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸). این گروه معتقد هستند که حتی پیگیری روش حرکت با چراغ خاموش نیز نمی‌تواند خالی از اصول باشد و به‌منظور مبارزه نامتعارف باید حداقل از اصول مبارزه متعارف آگاه بود.

نتیجه‌گیری

این مقاله دو هدف داشت که یکی بررسی آخرین وضعیت مطالعاتی در حوزه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و دیگری نشان دادن چرایی نبود یک سند استراتژی امنیت ملی، که همگان را ملزم به اطاعت از خود کند، بود. این مقاله نشان داد که در مجموع این احساس وجود دارد که باید یک سند استراتژی مشخص امنیت ملی برای جمهوری اسلامی ایران تدوین گردد. البته این بدان معنا نیز نیست که جمهوری اسلامی ایران در رفتار امنیتی خود سلیقه‌ای عمل کرده و همان‌طور که ذکر شد، می‌توان بدون وجود یک سند از میزان مناسبی از قاعده‌مندی در رفتار استراتژیک برخوردار بود؛ برای مثال می‌توان تلاش در جهت نشان دادن عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی، حمایت از حزب‌الله لبنان، و مخالفت با حضور آمریکا در منطقه را در زمره رفتارهای ثابت و افزایش یا کاهش روابط با روسیه و اتحادیه اروپا را در زمره اصول متغیر حاکم بر این رفتار دانست. به‌علاوه صرف وجود سند نشان از بی‌نقص بودن نیست. برای نمونه، روسیه در حالی از وجود این سند بهره می‌برد که وظایف دفاع ملی

و چگونگی بهره بردن از حقوق بین‌الملل در جهت منافع ملی چندان روشن توضیح داده نشده‌اند (Zysk, 2009).

این مقاله با بررسی آخرین مطالعات در حوزه تدوین سند استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسد که این روش‌ها بیش از آنکه به یک سند استراتژیک آینده‌نگر شباهت داشته باشند، تحلیل‌هایی هستند که می‌توانند «روش مبتنی بر مؤلفه‌های استراتژی» را در رسیدن به یک سند مدون و برنامه‌ای برای عمل یاری رسانند. به‌علاوه روش‌های ارائه‌شده در این تحقیقات برای رسیدن به هدف استراتژیک از وجود تناقض بین هدف و روش یا تناقض در اهداف یا روش‌ها خالی نیست؛ برای مثال، درحالی از وصول به قدرت اول اقتصادی در منطقه صحبت می‌شود که از حمایت از مقابله با غرب سخن به میان می‌آید. روشن است که وصول به رشد اقتصادی به کاهش التهاب در عرصه سیاسی و خارجی برای افزایش سرمایه‌گذاری نیازمند است. لذا حتی بر روی اهداف نیز اجماع دیده نمی‌شود و مشخص شدن این نکته ضروری است که آیا برای ما اهداف ایدئولوژیک در اولویت قرار دارند یا اهداف مادی؟ یا آیا می‌توان اهداف ایدئولوژیک را در اولویت قرار داد ولی برای کسب توان لازم در جهت گسترش آن‌ها برای مدتی به پیگیری استراتژی التهاب‌زدا و مبتنی بر منافع عینی اقدام کرد تا با کسب حداقل توان لازم به گسترش اهداف ایدئولوژیک خود پرداخت؟ روش اخیر به‌نحوی همان روشی است که در استراتژی‌های امنیتی چین و روسیه دیده می‌شود. البته پاسخ به این سؤال نیاز به تحقیق دیگری دارد. اما قبل از هرچیز نیاز به آن است که با فهم مشکلات موجود در این راه به درمان آن‌ها پرداخت. در رفع این مشکلات باید به تقویت رابطه بین جامعه، حکومت و نخبگان سیاسی و کنار گذاشتن ترس زائد توجه شود. با رفع این موانع می‌توان به اجماعی مناسب بر روی مؤلفه‌های استراتژی امنیت ملی - که در فرایند تصمیم‌سازی به‌خوبی از کوره بررسی علمی بیرون آمده - رسید و سپس، با درک شرایط بومی خود محتوای این ظرف را پر کرد. بنابراین در این مقاله بیشتر بر روی روش‌های پژوهش این موضوع در جمهوری اسلامی ایران کاوش شده است. ولی چگونگی برقراری رابطه مناسب میان جامعه، نخبگان علمی و

سیاسی، و چگونگی مدیریت در طراحی استراتژی امنیت ملی سؤالات دیگری هستند که برای پاسخ به آنها انجام پژوهش‌های دیگر ضروری است.

یادداشت‌ها

1. <http://en.wikipedia.org/wiki/scientometrics>
2. State of the art
3. http://en.wikipedia.org/wiki/State_of_the_art
4. Andre Beaufre
5. Basil H. Liddell Hart
6. Clausewitz
7. Cooperative Security
8. Truman
9. James Forretal
10. Gold Water-Nichols
11. <http://en.wikipedia.org>
12. <http://en.wikipedia.org>
13. <http://www.cabinetoffice.gov>
14. <http://www.timesonline.co>
15. <http://cria-online.org>
16. <http://www.jamestown.org>
17. <http://persian.ruvvr.ru>
18. <http://trnslator.google.com>
19. <http://epress.anu.edu.au>
20. <http://www.jweekly.com>

۲۱. برای مثال، می‌توان از کتاب‌های «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته ولی‌پور زرومی، صفحات ۴۱ تا ۸۵ و کتاب «نگاهی به مسائل امنیتی ایران» نام برد. از میان آثار مورد بررسی در این مقاله تقریباً ۳۱/۵۷٪ با استفاده از روش گفتمان، ۱۰/۵۲٪ با استفاده از روش دیدگاه، ۱۰/۵۲٪ با استفاده از روش انطباق عناصر استراتژی با مورد جمهوری اسلامی ایران و ۴۷/۳۶٪ با بررسی برخی از ابعاد به مسائل مربوط به استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران توجه نموده‌اند.

کتابنامه

- ابریستان، غلامرضا، (۱۳۷۷)، «استراتژی امام خمینی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع)، تیر ماه.
- استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- استراتژی امنیت ملی روسیه: <http://persian.ruvr.ru/2009/05/13/497572.html>
- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۴)، «سیر تحول مطالعات استراتژیک، روندهای جهانی و تجارب ایرانی» در استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران؛ مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در ج ۱، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امید زمانی، محسن (۱۳۶۹)، «استراتژی جمهوری اسلامی ایران در لبنان (۱۳۶۹-۱۳۵۹)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق(ع) (دی ماه).
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۰)، استراتژی آمریکا برای قرن جدید، چاپ اول، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.
- بوفر، آندره (۱۳۶۶)، استراتژی اقدام، چاپ اول، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- همو (۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷)، تحولات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گزارش تحقیقاتی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سند ۱۳۸۷-۱-۱-۱-۳۸۸)
- پیشگاه هادیان، حمید (۱۳۸۶)، تحول سیاست دفاعی و امنیتی ایالات متحده پس از یازده سپتامبر، چاپ اول، تهران: مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی ج.ا.ا، جلد اول، چاپ اول، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۱)، «رویکردهای عمده نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، گفتگو، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (سند ۳۲-۷-۴-۴-۱۳۸۱).
- خلیلی، رضا (۱۳۸۲)، «عوامل و مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی امنیت ملی»، نشریه راهبرد، شماره ۲۹، آذر ماه.
- رحمان سرشت، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی در اندیشه نظریه پردازان، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۰)، منافع ملی در سیاست خارجی ج.ا.ا، چاپ اول، قم: نگاه نو.
- سعدآبادی، علیرضا (۱۳۸۲)، «استراتژی امنیت ملی؛ رویکرد ایرانی»، گزارش تحقیقاتی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (سند ۲۴-۷-۴-۲-۱۳۸۲).
- سعیدی، روح الامین و مفیدنژاد، سید مرتضی (۱۳۸۷)، «بررسی راهبرد نگاه به شرق در سیاست جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سازمان همکاری شانگهای»، مقاله برگزیده هفته پژوهش در دانشگاه امام صادق (ع) (سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸).
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۱)، نظریه‌های امنیت، جلد اول، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر تهران.
- همو (۱۳۸۴)، دیباچه‌ای بر قانون امنیت ملی، چاپ اول، تهران: ابرار معاصر تهران.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، گفتمان و جامعه، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- فرچوند، هادی (۱۳۸۱)، «اثرات پایان جنگ سرد بر رژیم بین‌المللی خلع سلاح کشتار جمعی و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران»، رساله دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، «تحلیل انتقادی گفتمان»، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر روش شناسی تدوین استراتژی امنیت ملی با تأکید بر مورد جمهوری اسلامی ایران»، راهبرد دفاعی، سال دوم، شماره ۶ (زمستان ۱۳۸۳).
- کالینز، جان ام (۱۳۷۳)، استراتژی بزرگ، چاپ اول، ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کیانی، داوود (۱۳۸۶)، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مطالعات راهبردی.
- لطفیان، سعیده (۱۳۷۶)، استراتژی و برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

محسنی، علی اکبر (۱۳۷۷)، «نقش وزارت اطلاعات در رامنیت ملی و استراتژی ملی»، نشریه کار و کارگر، ۷۷/۱۱/۱.

مرکز آموزش مدیریت دولتی (۱۳۷۲)، مدیریت استراتژیک، چاپ اول، مترجم: عباس منوریان، (تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی).

مصفا، نسرين (۱۳۸۶)، سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، نقش عوامل تأثیرگذار سطح کلان، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

مک‌دائل، دایان (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نودری، چاپ اول، تهران: فرهنگ گفتمان.

میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نصری، قدیر (۱۳۸۰)، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نوروزی چاکلی، عبدالرضا، و دیگران (۱۳۸۶). «تولید علم ایران در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ بر اساس آمار پایگاه‌های موسسه اطلاعات علمی (آی.اس.آی). فصلنامه کتاب. شماره ۷۱ (پاییز).

ولی‌پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۱)، «موانع اساسی پیدایش استراتژی امنیت ملی در ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳.

Ansari, Ali M (2007), *Iran under Ahmadinejad: the politics of confrontation*, first published, London: Routledge.

Bain, William (2006), *The empire of security and the safety of the people*, first published, London & New York: Routledge.

Baylis, John et al (2002), *strategy in the contemporary world*, first published, Oxford & New York: OXFORD UNIVERSITY Press.

Booth, Ken & J.Wheeler, Nicholas (2008), *the security dilemma: fear, cooperation and trust in world politics*, first published, New York: Palgrave Macmillan.

- Buzan, Barry & Hansen, Lene (2007), *International security*, Vol.IV, first published, London & California: SAGE Publishing.
- Craig, A.Snyder (2008), *Contemporary Security and Strategy*, second edition, New York: Palgrave Macmillan.
- Davies, Warnock & Davies, Warnock, “*understanding strategy*”, *strategy & leadership*, Vol.28, N.5 (2000).
- Dimitrakopoulou, Sophia & Liaropoulos, Andrew, “*RUSSIA’S NATIONAL SECURITY STRATEGY TO 2020: A GREAT POWER IN THE MAKING?*”http://cria-online.org/Journal/10/Done_Russias_National_Security_Strategy_To_2020_A_Great_Power_In_The_Making_Dimitrakopoulou_Liaropoulos.pdf
- Gordon Brown unveils first National Security Strategy*, March 19, (2008), <http://www.timesonline.co.uk/tol/news/politics/article3584179.ece>
- Glossary of Thompson Scientific Terminology (2008), <http://science.thompsonreuters.com/support/patents/patinf/terms>.
- Gray, Colin S (1999), *Modern strategy*, first published, OXFORD: UNIVERSITY Press.
- Grinstein, Gidi,” *for Israel, time to create a real national security strategy*” (Friday, April 20, 2007), <http://www.jweekly.com/article/full/32180/for-israel-time-to-create-a-real-national-security-strategy/>
- Hoover, Kenneth R (1980), *the elements of social scientific thinking*, second edition, New York: St. Maetins Perss.
- Hough, Peter (2008), *Understanding Global Security*, second edition, London & New York: Routledge.
- http://en.wikipedia.org/wiki/National_security
- <http://en.wikipedia.org/wiki/National-security-strategy-of-the-united-states>
- http://epress.anu.edu.au/sdsc/rc/mobile_devices/cho9s02.html
- <http://www.cabinetoffice.gov.uk/reports/national-security.aspx>
- Jacobsen, Carl G (1990), *Strategic power USA/USSR*, first published, London: Macmillan.

- Kirchner, Emil J & Sperling, James, *Global security governance*, first published, London & New York: Routledge.
- Kirshner, J. (2002), "Economic Sanctions: The State of the Art", *Security Studies*, 11: 160.
- Koithara, Verghese (1999), *society state & security: the Indian experience*, first published, New Delhi: SAGE Publications.
- Kratochwil, F & Ruggie, J (1986), "International Organization: A State of the Art on an Art of the State", *International Organization*, Vol. 40, No. 4, 753-775.
- McDermott, Roger, "*Russia's national security strategy*", *Eurasia Daily Monitor*, Vol.6, issue.96.http://www.jamestown.org/single/?no_cache=1&tx_ttnews%5Btt_news%5D=35010
- Murrey, Willianson, Knox, Mac Gregor & Bernstein, Alvin (1997), *The Making of Strategy*, fifth edition, Cambridge & New York: CAMBRIDGE UNIVERSITY Press.
- Naji, Kasra (2008), *Ahmadinejad: the secret history of Iran's Radical leader*, first published, New York: I.B. Tauris & Co. Ltd.
http://en.wikipedia.org/wiki/State_of_the_art
- Neustadt, Richard E & May, Ernest R (1986), *thinking in time: the Uses of history for decision*, USA: The Free Press.
- New thinking in China's national security strategy*http://translate.google.com/translate?hl=fa&sl=en&tl=fa&u=http%3A%2F%2Ffepress.anu.edu.au%2Fsdsc%2Frc%2Fmobile_devices%2Fch09s02.html&anno=2
- Rotblat, Joseph (1991), *Striving for Peace, Security and Development in the World*, first published, Singapore: World Scientific Publishing Co.Pte.Ltd.
- Sharpe, Mary & Agbolaje, Abimbola (2006), *science and society in the face of the new security threats*, first published, Amsterdam: IOS Press.

Tran, Elizabeth (2002), *Security of personal data across national borders*, first published, Seattle, Washington: Central Washington University.

Willam, Michael C (2007), *Culture & security*, first published, USA & Canada: Routledge.

Zysk, Katarzyna (2009), *Russian National Security Strategy to 2020*, http://www.geopoliticsnorth.org/index.php?option=com_content&view=article&id=87:russian-national-security-strategy&catid=1:latest-news

